هو الله

رَشح عَما از جَذبِهٔ ما ميريزد سِرِّ وَفا از نَعْمِهُ ما ميريزد

از باد صبا مُشگ خَطا گُشته یدید وين نَفخِهُ خوش از جَعدِهُ ما ميريزد

شَمسِ طَراز از طَلعَتِ حَقّ كرده طُلوع سرّ حقيقت بين كَز وَجهِهُ ما ميريزد

بَحرِ صَفا از موج لِقا كرده خُروش وين طُرفِهْ عطا از جذبهٔ ما ميريزد

گُنجينهٔ حُبّ در سينهٔ فا گشته نَهان

زين گَنج مُحَبَّت دُرِّ وفا ميريزد بِهِجَتِ مُل از نَظرِهٔ گُل شد ظاهر این رَمزِ مَلیح از رَنَّهٔ را میریزد

نُقرِهُ ناقوريْ جذبهُ لاهوتي این هر دو بیک نفخه از جَوِّ سَما میریزد

دَورِ اَنَا هُو از چِهرِهٔ ما كرده بُروز كُورِ هُوَ هُو از نفخهٔ ما ميريزد كوثرِ حَقّ از كاسِهٔ دِل گشته هُويدا

> وين ساغرِ شَهْد از لَعلِ بها ميريزد يومِ خدا از جِلوِهٔ رَبّ شد كامل اين نَغزِ حَديث از غَنَّهُ طا ميريزد

طَفح بھائی بین رشح عمائی بین کِاین جُمله زِ یک نغمه

از لَحنِ خدا میریزد ماهی سرمَد بین طَلع مُنَزَّه بين

> صَدرِ مُمَرَّد بين كز عَرشِ عَلا ميريزد نَخلِهُ طوبيل بين

غنّهٔ ابھی بین كَز لَمْعِ صفا ميريزد آهنگِ عَراقي بين

دَفِّ حِجازی بین

رنَّهُ ورقا بين

كَفِّ الهي بين كز جذبة لا ميريزد طلعة لاهوتي بين حوري هاهوتي بين

جلوهٔ ناسوتی بین

کز سرؓ عما میریزد وجههٔ باقى بين چهرهٔ ساقی بین رَقِّ زُجاجي بين كز كوبهٔ ما ميريزد

بَيضِهٔ بَيضاً بين سينهٔ سينا بين کز کف سنا میریزد نالِهٔ مَستان بين

حالتِ بُستان بين

جذبهٔ هَستان بين

آتشِ موسىلى بين

كز صَحن لقا ميريزد غُنچهٔ هائی بین طُرِّهٔ بائی بین

كز كِلكِ بها ميريزد طفح طهور است این رَشح طَهور است این

رنَّهُ نائي بين غَن طُيور است اين كز عِين فَنا ميريزد